

پیش بینی طلاق عاطفی براساس سبک های دلبستگی و انتظارات زناشویی

طاهره همتی^۱

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران

نویسنده مسئول:

طاهره همتی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۲۶-۳۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی طلاق عاطفی براساس سبک های دلبستگی و انتظارات زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره ای شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ بود. روش این پژوهش کاربردی و شیوه اجرا ی آن همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین مراجعه کننده به دادگاهها و مراکز مشاوره شهرستان کرمانشاه بودند. نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب گردید. جهت گرد آوری داده های پژوهش حاضر از پرسشنامه های طلاق عاطفی، سبک های دلبستگی و انتظارات زناشویی استفاده شد. داده های به دست آمده با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، تحلیل واریانس و آزمون t گروه های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشان داد که بین سبک های دلبستگی با طلاق عاطفی رابطه معنی دار، بین انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی رابطه معنی دار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داد که سبک های دلبستگی و انتظارات زناشویی توانایی پیش بینی طلاق عاطفی را دارند. نتایج حاصل از آزمون T مستقل نشان داد که بین میانگین دو گروه زنان و مردان در متغیر طلاق عاطفی تفاوت معنی داری در بین آنها وجود ندارد.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، سبکهای دلبستگی، انتظارات زناشویی

مقدمه

روابط خانوادگی و تعاملات بین زن و شوهر در جامعه کنونی دچار چالش های جدی شده است. شواهد وجود این واقعیت را می توان در افزایش پرونده های طلاق و شلوغی راهروی دادگاه های خانواده و افزایش نرخ طلاق مشاهده کرد، این تغییرات خاص جامعه ایران نیست و اغلب جوامع معاصر را درنوردیده است. (صدرالاشرفی، ۱۳۹۱) خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه پذیری و کهن ترین هسته ی طبیعی، در همه ی جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان میدهد. (موسای و همکاران ۲۰۱۱) در طول زمان مسائلی پیش میاید که می تواند به جدایی، یا یک زندگی مشترک بدون احساس، عشق و همراهی منجر شود. برخی کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در بیشتر مواقع این سیر بروز اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، بی میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیر یها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی را طی میکند (احدی و نقشبندی، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین آسیب های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار ی بزرگ تر به طلاق عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی های خاموش و خانواده های تو خالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمیکند. (بخارایی، ۱۳۸۶) طلاق عاطفی فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند، هر چند یکی از آن ها ممکن است این ناپختگی را تایید کند و دیگری با ابراز اعمال مسئولانه مفرط چنین چیزی را انکار کند (گلدنبرگ، به نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۸۹) در طلاق عاطفی طرفین هیچ گونه عشق و علاقه و صمیمیتی نسبت به یکدیگر ندارند و از مجاورت با هم هیچ گونه لذتی نمیبرند، اما علیرغم این عدم عشق و علاقه به زندگی با یکدیگر تن داده اند و جدا نمیشوند (فردوسی پور، ۱۳۸۴)

یکی از عواملی که به نوعی با مسئله طلاق عاطفی مرتبط است سبک دلبستگی میباشد. نظریه های سبک دلبستگی، بر روابط اولیه در محیط خانواده تاکید کرده و آن را بر روابط بعدی موثر می داند. پژوهشگران، سبکهای دلبستگی را به عنوان عوامل پایدار و چندنسلی تلقی کرده و پیشنهاد میکنند که چگونه خانواده ی مبدا شخص میتواند بر روابط زناشویی اثر گذارد (گلدنبرگ، ۲۰۰۳) مطالعات مبتنی بر آسیب شناسی تحولی نیز رابطه ی بین تجارب منفی اولیه ی تحصیلی و خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روانشناختی و شبکه های معیوب زناشویی را مورد تاکید قرار میدهند (یانگ، ۲۰۰۳)

نتایج پژوهش مامی و عسکری بیانگر این مسئله بود که سبک های دلبستگی، سبک ایمن و سبک آشفته سردرگم قادرند به شکل معناداری طلاق عاطفی را پیش بینی نماید. (احدی و نقشبندی، ۱۳۸۸)

همچنین نتایج پژوهش باستانی و همکاران بیانگر این مسئله است که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در طلاق عاطفی در تعامل هستند (باستانی و همکاران ۱۳۸۹)

نوع سبک دلبستگی که افراد نشان میدهند در میزان اعتمادی که همسر احساس میکند، بسیار مهم است و ساختاریک خانواده متعادل برپایه روابط زناشویی صمیمی استوار است و یکی از عوامل مهم در استحکام این رابطه، سبک دلبستگی زوج ها است (باراو و لمپکین^۱، ۲۰۱۰). میزان برآورده شدن انتظارات و خواسته های هریک از زوجین، میتواند مبنای رضایت زناشویی قرار گرفته، فاصله ی بین واقعیت و انتظارات از زندگی میتواند توجیهی برای میزان رضایت همسران از رابطه زناشویی فراهم کند (میلر^۲ و همکاران؛ ۲۰۱۲) نشان دادند افراد زمانی رضایت زناشویی پایداری را تجربه میکنند که انتظاراتشان از ازدواج برآورده شده باشد، خواه این انتظارات بالا باشد یا پایین. اما اکثر افراد انتظارات غیرواقع بینانه ای نسبت به زندگی زناشویی دارند، مثال آنها انتظار دارند که همسرشان تمام خلاءهایی را که قبل از ازدواج داشتند پر کند (ماندل و فینکل^۳؛ ۲۰۱۲). بنابراین باور هستند که انتظارات صحیح، موجب میشود افراد نیازهای شریک زندگی خود را به درستی ارزیابی کرده و رفتارهای یکدیگر را پیش بینی کنند؛ در نتیجه احساس پیش بینی پذیری و امنیت کنترل، در آنها پرورش یافته، به تعاملت سازگار و سطوح بالایی از رضایت زناشویی منجر میشود. پژوهشها نشان داده اند که عدم تحقق انتظارات زناشویی و نیز عدم تناسب این انتظارات با واقعتهای رابطه زناشویی

¹ Bravo & Lmpkin

² Miller

³ Malden, & Finkel

منجر به سردی روابط عاطفی و نارضایتی زناشویی میشود (ابراهیمی و بنی فاطمه؛ سفیری و هادیان، ۱۳۸۸). بنابر آنچه گفته شد به نظر میرسد بسیاری از مشکلات ارتباطی یا نارضایتی همسران از عدم ارضای نیازهای روانشناختی و نیز از انتظارات غیرواقعی و مبهم و یا فاصله موجود بین انتظارات پیش از رابطه و واقعیت موجود نشأت میگیرد. از سوی دیگر، یکی از عواملی که در بروز تعارضات زناشویی و در نتیجه طلاق عاطفی نقش مهمی ایفا میکند.

باتوجه به اهمیت و حساسیت موضوع طلاق عاطفی و آسیب های همراه با این پدیده مخرب، همچنین از آن جایی که نتوانستیم در داخل کشور پژوهشی را پیدا کنیم که رابطه این متغیرها را باهم مورد بررسی قرار داده باشد، پژوهش حاضر به تعیین نقش سبک های دلبستگی و انتظارات زناشویی در پیش بینی طلاق عاطفی پرداخته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین مراجعه کننده به دادگاهها و مراکز مشاوره شهرستان کرمانشاه بودند. نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب گردید. شرکت کنندگان به پرسشنامه های سبک های دلبستگی AAI، طلاق عاطفی گاتمن و انتظارات زناشویی پاسخ دادند. شرکت کنندگان مختار بودند که در خانه یا در مرکز مشاوره پرسشنامه را تکمیل کنند، داده های دریافتی توسط ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون و تحلیل رگرسیون خطی گام به گام با استفاده از نرم افزار آماری SPSS21 موردتحلیل قرار گرفت.

ابزار

پرسشنامه طلاق عاطفی: این پرسشنامه از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن، (۹۰۰۳، ترجمه جزایری، ۱۹۳۳) گرفته شده است و شامل جملاتی درباره جنبه های مختلف زندگی شماسست که ممکن است با آن موافق یا مخالف باشید دارای ۹۶ سوال است و به شوه بله یاخیر به آن جواب داده میشود. هر چقدر که میزان جواب های بله بالاتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی AAI: در این پژوهش به وسیله مقیاس دلبستگی بزرگسال تعیین شد این مقیاس که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و مشاور ۱۹۸۷ ساخته و سپس در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (بشارت ۱۳۷۹). که یک پرسشنامه دو قسمتی است در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی، و دو سو گرا با ۹۱ سوال در مقیاس ۵ درجه لیکرت (هیچ=۱ کم =۲ متوسط=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵) از هم متمایز میشوند. ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هر یک از زیر مقیاس های ایمن، اجتنابی، دوسوگرا، در مورد یک نمونه دانشجویی (N=24، بشارت ۱۳۸۲) برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲. برای دانشجویان دختر و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۲. بود که همه نشانه هماهنگی درونی مقیاس دلبستگی بزرگسال است در قسمت دوم آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه ای که نوع دلبستگی را توصیف می کند سبک دلبستگی خود را مشخص می کند (بشارت ۱۳۸۲). نمره کل آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۱، به دست آمد.

پرسشنامه انتظارات زناشویی

پرسشنامه انتظارات زناشویی امیدوار، (۱۳۸۶) دارای ۳۲ گویه است که بر مبنای طیف ۵ درجه ای لیکرت از همیشه تا اصلا (اصلا=۰، بندرت=۱، گاهی=۲، اغلب=۳ و همیشه=۴) طراحی شده است. حداقل نمره صفر و حداکثر ۱۲۸ است. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از دو شیوه تعیین سازه های بنیادی و همبستگی درونی زیر مقیاس ها با نمره کل استفاده شد. برای تعیین سازه ها و عوامل بنیادی پرسشنامه از تحلیل عاملی یا چرخشی متمایل استفاده شد که در نهایت ۳ عامل براساس ۳۷/۵ درصد واریانس های مجموع هشت عامل اول به دست آمد. براساس این پرسشنامه ابعاد انتظارات زناشویی عبارتند از همسر به عنوان دوست و حامی (۷ گزاره)، انتظار از زندگی زناشویی (۱۱ گزاره)، و انتظار از یک رابطه ایده آل (۱۴ گزاره). همبستگی تمام زیر مقیاس ها استخراج شده با یکدیگر و به ویژه با نمره کل بالا و معنادار بود که حاکی

از روایی بالای پرسشنامه بود. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از مولفه های فوق به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۰، ۰/۹۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ بود (امیدوار، ۱۳۸۶).

یافته ها

جدول ۱ شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی

مرد					زن				
میانگین	انحراف استاندارد	حداکثر	حداقل	کوسینوس	میانگین	انحراف استاندارد	حداکثر	حداقل	کوسینوس
۶.۷۶	۳.۳۳	۰.۱۶	-۰.۳۱	۷.۱۰	۳.۶۷	۰.۰۹	-۰.۶۶	۱.۵۸	-۱.۰۳
۱۱۱.۸۸	۱۷.۷۹	-۰.۶۳	۰.۰۶	۱۰۶.۲۲	۱۹.۵۸	-۱.۰۳	۱.۵۸	۲.۰۳	۱.۱۸
۶۱.۹۶	۱۰.۴۸	۱.۰۴	۰.۵۴	۵۸.۶۸	۶.۶۲	۱.۱۸	۲.۰۳		

حجم گروه زنان ۱۵۰ و گروه مردان ۵۰ نفر

جدول ۲ ماتریس همبستگی بین سبک دلبستگی با طلاق عاطفی

ماتریس همبستگی	طلاق عاطفی
سبک دلبستگی ایمن	۰/۲۱۲**
سبک دلبستگی نا ایمن	۰/۳۳۶**
سبک دلبستگی دوسو گرا	۰/۱۷۰*

** در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. N=۲۰۰

با توجه یافته های جدول فوق، بررسی ضرایب همبستگی بین مؤلفه های سبک دلبستگی با طلاق عاطفی در زوجین در تمامی مؤلفه ها معنا دار بود. بنابراین فرض صفر رد می شود و فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سبک دلبستگی و طلاق عاطفی تایید می گردد. پس می توان گفت که با افزایش مولفه های سبک دلبستگی، طلاق عاطفی در زوجین کاهش پیدا می کند و برعکس.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی

انتظارات	طلاق عاطفی
همسر به عنوان دوست و حامی	۰/۳۴۸**
انتظار از زندگی زناشویی	۰/۱۵۸*
انتظار از یک رابطه ایده آل	۰/۲۷۹**

** در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. N=۲۰۰

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود بین همسر به عنوان دوست و حامی و طلاق عاطفی در سطح $P < 0/01$ رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بین انتظار از زندگی زناشویی و طلاق عاطفی در احساسات سطح $P < 0/05$ رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بین خودکنترلی و طلاق عاطفی در سطح $P < 0/01$ رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بین هوشیاری اجتماعی و طلاق عاطفی در سطح $P < 0/05$ رابطه مثبت و معنی دار و بین انتظار از یک رابطه ایده آل با طلاق عاطفی در سطح $P < 0/01$ رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

جدول ۴ خلاصه نتایج رگرسیون

گام ها	متغیر مستقل	R	R ²	R ² تعدیل شده	Se
1	سبک دلبستگی/انتظارات زناشویی	۰.۲۷	۰.۰۷	۰.۰۷	۳.۴۲

برای بررسی پیش بین بودن سبک دلبستگی و انتظارات زناشویی برای طلاق عاطفی از رگرسیون به شیوه همزمان استفاده شد. نتیجه خلاصه رگرسیون همزمان نشان داد که سبک دلبستگی و انتظارات زناشویی با قرار گرفتن در معادله به مقدار ۰.۰۷ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش بینی می کند.

جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس (آنوا)

مدل	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
۱ رگرسیون	۱۹۸.۲۵	۲	۹۹.۱۲	۸.۴۸	P<۰.۰۱
باقی مانده	۲۴۷۸.۵۳	۱۹۸	۱۱.۶۹		
کل	۲۶۷۶.۷۷	۲۰۰			

همچنین نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که مدل مورد نظر از نظر آماری معنی دار می باشد به طوری که مقدار F به دست آمده از رگرسیون با مقدار ۸.۴۸ و درجه ی آزادی ۲ و ۱۹۸ معنی دار می باشد.

جدول ۶ آزمون t مستقل

میانگین	انحراف معیار	زن		df	t	سطح معنی داری
		میانگین	انحراف معیار			
۶.۷۶	۳.۳۳	۷.۱۰	۳.۶۷	۱۹۸	۲.۱۴	۰.۰۳

P<۰.۰۱ ** P<۰.۰۵ * n=۲۰۰

برای آزمون کردن معنادار بودن تفاوت طلاق عاطفی بین زوجین زن و مرد از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج آزمون نشان می دهد که مقدار $t = ۰.۶۸$ با درجه ی آزادی ۱۰۹ معنی دار نیست. به طوری که با توجه به اختلاف بین میانگین دو گروه زنان و مردان در متغیر طلاق عاطفی تفاوت معنی داری در بین آنها وجود ندارد.

مقدار آماره $t = ۲.۱۴$ با درجه آزادی ۱۹۸ نشان می دهد که بین دو گروه زوجین زن و مرد از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد به طوری که گروه زنان از نظر طلاق عاطفی دارای میانگین بالاتری (۱۱۱.۸۸) نسبت به گروه مردان (۱۰۶.۲۲) می باشند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش سبک های دلبستگی و انتظارات زناشویی در پیش بینی طلاق عاطفی انجام شد، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان نشان داد که سبک دلبستگی و انتظارات زناشویی توانایی پیش بینی طلاق عاطفی را در زوجین دارد.

این یافته ها مطابق و همسو با یافته های (ابراهیمی و بنی فاطمه، ۱۳۹۱؛ باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹؛ سفیری و هادیان، ۱۳۸۸؛ فاور، منتل و اولسون، ۱۹۹۹؛ میلر و تدر، ۲۰۱۱). سنگری و سلیمیان ریزی (۱۳۹۱) می باشد.

در تبیین این یافته می توان بیان داشت که میزان برآورده شدن انتظارات و خواسته های هریک از زوجین، میتواند مبنای رضایت زناشویی قرار گیرد و فاصله بین واقعیت و انتظارات از زندگی می تواند توجیهی برای رضایت همسران از رابطه زناشویی فراهم کند میلر و تدر (۲۰۱۱). ونگلیسی و دالی (۱۹۹۷) دریافتند زمانی که انتظارات زناشویی فرد تحقق یابد، از رابطه رضایت خواهد داشت. برعکس، زمانی که انتظارات زناشویی تحقق نیابد، افراد عدم رضایت و دلسردی را در رابطه زناشویی تجربه خواهند کرد. خواه انتظارات زناشویی تحقق یابد یا نه، فرد یک حالت ذهنی و درونی را تجربه میکند که نمیتواند آن را نادیده بگیرد. ادراک شخص از اینکه آیا انتظارات او از ازدواج تحقق یافته است یا نه، در برداشت کلی او از ازدواج بسیار مهم و حیاتی به نظر میرسد.

میلر و تدر، ۲۰۱۱، براین باور هستند که انتظارات صحیح، موجب میشود افراد نیازهای شریک زندگی خود را به درستی ارزیابی کرده، رفتارهای کدیگر را پیش بینی کنند، در نتیجه احساس کنترل، پیش بینی پذیری و امنیت در آنها پرورش یافته، به تعاملت سازگار و سطوح بالایی از رضایت زناشویی منجر میشود.

در رابطه با ارتباط سبک های دلبستگی با طلاق عاطفی می توان چنین تبیین کرد که سبکهای دلبستگی افراد در روابط بزرگسالی، سلامت روان و استفاده از راهبردهای مقابله ای آنها در برابر مشکلات زندگی تأثیرگذار است. در تحقیق برنن و شیو(احدی و نقشبندی، ۱۳۸۸) مشخص شد افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، درک عمیقتری را از روابط به صورت بالاتر نشان میدهند و این افراد از اشتراکهای بالاتری در روابط بین فردی برخوردارند، در این تحقیق عنوان میشود که میتوان سبکهای دلبستگی را به عنوان عاملی تعیین کننده در زمینه تفاهم زناشویی محسوب کرد.

منابع

- ابراهیمی، س. و بنی فاطمه، ح. (۱۳۹۱). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده. مجله مطالعات جامعه شناسی. احدی، حسن و نقشبندی، سیامک. (۱۳۸۸). رابطه شیوه‌های دلبستگی با رضایت زناشویی. مجله علوم رفتاری. ۱۲. باستانی، سوسن؛ گلزاری محمود، روشنی، شهره. طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۹۳۲
- بخارایی، احمد (۱۳۹۱). جامعه شناسی زندگی های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهاک جامعه.
- فردوسی پور، سیما (۱۳۹۶) **آسیب شناسی خانواده**، دوره علمی-کاربردی پودمانی (مدیریت خانواده)
- سفیری، خ. و هادیان، ز. (۱۳۸۶) بررسی رابطه تحقق انتظارات زنان متأهل از همسرانشان با رضایت زناشویی.
- پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۹۴، ۱۳-۴۳
- Malden, D.C., & Finkel, E.J. (2010). Motivation for promotion and prevention and the role of trust and commitment in interpersonal forgiveness. *Journal of Experimental Social Psychology*, 46, 255-268.
- Miller, R.B., Anderson, S., Koala, D.K. (2012). Is Bowen theory valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*, 30, 453- 470.
- Young J, Klosko J, Weishaar M. *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guildford; 2003: 1- 62.
- Fowers, B. J., Montel, K. H., & Olson, D. H. (1996). Predicting marital success for premarital couple types based on prepare. *Journal of Marital and Family Therapy*, 22, 103-119.
- Miller, J., & Tedder, B. (2011). The discrepancy between expectations and reality: Satisfaction in romantic relationships. *Journal of Family Psychology*, 21, 572- 583.
- Vangelisti, A. L., & Daly, J. A. (1997). Gender differences in standards for romantic relationships. *Personal Relationships*, 4, 203-219.
- Bravo, I. M., & Lmpkin, P. W. (2010). The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *American Journal Family Therapy*, 38, 421-432.
- Miller, L. W., Ryan, C. E., Keitner, G. I., Bishop, D. S., & Epstein, N. B. (2000). The Mc Master approach to families: Theory, assessment, treatment and research. *Journal of Family Therapy*, 22, 168-189.